

روایت نماینده شیراز از رد صلاحیت برای انتخابات مجلس

● شرق:رد صلاحیت‌های هیئت‌های اجرایی انتقاد های زیادی را بیسن اصلاح‌طلبان برانگیخته است. رئیس فراکسیون امید اخیرا گفته که «از هیئت‌های اجرایی که با محویت دولت شکل گرفته‌اند برای رد صلاحیت کاندیداهای شاخص جریان اصلاح‌طلب کلایه جدی داریم». دیروز بهرام پارسایی نماینده شیراز و سخنگوی پیشین فراکسیون امید نیز با انتشار متنی نسبت به رد صلاحیت خود از سسوی هیئت اجرایی وزارت کشور واکنش نشان داده است. پارسایی در توییت خود نوشت: «هم‌زمان که با دوستان همفکر در اردیبهشت ۹۶ درگیر انتخابات ریاست‌جمهوری بودیم، با چند نفر از همکاران مسئولیت هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای را نیز برعهده داشتیم که تأیید صلاحیت حداکثری کاندیداهای دارای شرایط قانونی آن انتخابات که در نوع خود نظیر نداشت محصول کار این هیئت بود. در روزها و شب‌های آخر که مقابل فشارهای طاقت‌فرسا برای رد صلاحیت سلیقه‌ای تعداد چشمگیری از نامزدها در هر شهر و استان کشورمان مقاومت کردم، می‌دانستم که هزینه این کار را می‌پردازم». پارسایی ادعا کرد: «روزی که بدون هیچ سند و مدرک قانونی در هیئت اجرایی (که با وجود تذکرات داده‌شده، در کمال سهل‌انگاری عجیب و بی‌سابقه وزارت کشور شکل گرفته بود) تنها بر اساس رای‌گیری و اظهارنظر کاملاً سلیقه‌ای و سیاسی رد صلاحیت‌م کرد، کاری بی‌تجربید کردم اما ناراحت نشدم». او در ادامه روایت خود از رد صلاحیتش نوشت: «من آگاهانه نخواستم بهای تأیید صلاحیت‌م، رد صلاحیت غیرقانونی جمعی از نامزدهای شورای شهر و گرفتن حق انتخاب از مردم باشد. اما در این میان دو نکته بسیار تلخ و گزنده وجود دارد: یکی بی‌تفاوتی وزارت کشور در چشش هیئت اجرایی و دیگر بی‌تفاوتی فراکسیون امید که همواره در دفاع از عملکرد خود تأیید صلاحیت کاندیداهای شوراهای شهر را تقریبا در صدر پاسخ‌ها دارد.»عضو فراکسیون امید در ادامه نوشت: «برخلاف دوستان و مسئولیتی که به محض رسان‌های شدن رد صلاحیت‌م، تماس، پیگیری و با موضوع‌گیری داشتند، رئیس و اکثر اعضای هیئت رئیسه فراکسیون‌که دو سال هم سخنگوی آن بودم، نه تنها به صورت رسمی یا غیررسمی تماس و توجهی نداشتند، بلکه در هفته حضور در صحن مجلس هم به‌سه روی خود نیاوردند، گویی که نه اتفاقی افتاده و نه اصلا مرا می‌شناسد که مبدا بابت معاشرت با اینجانب، گردی بر دامن مبارک صلاحیت‌های‌شان نبیند».
ادامه در صفحه ۱۵

سرقت چک

_ دسته چک بانک اقتصاد نوین شعبه قلهک کد ۱۵۱ جاری ۱۵۲۹۳۲۶۵-۱-۵۱-۱۵۱ بنام علی بی ارام از شماره سریال ۷۷۷۹۷۲ الی ۷۷۹۸۰۰

_ دسته چک بانک صادرات شعبه پاییزان کد۳۱۵ جاری۵۰۵-۶۵۰-۱۰۲۵۸۶۰۶۰۵ به نام محمد اسلامی تکمه داش از شماره سریال۶۰۴۲۹۸۴۰۰ الی۶۰۴۲۹۸۳۵۱

_ چک بانک پاسارگاد به شماره ۱۳۴۱۱۲ شعبه بلوار فرحزادی کد ۳۰۶ به نام رشیدیان به مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال به تاریخ۹۸/۰۷/۳۰ _ چک بانک ملی شعبه حکیم سبزوآر کد ۸۸۵۲ به نام شرکت تحکیم عمران آرتین به شماره سریال ۶۲۲۷۸۷ جاری۱۱۲۵۶۳۲۲۰۰۹ به مبلغ ۱۷۰ میلیون ریال به تاریخ۰۹/۰۹/۹۸ _ چک بانک رفاه تهرانسرد کد ۱۳۹۰ شماره سریال۳۰۵۳۰۹ به نام حسین ناظری جاری ۲۲۸۴۲۲۳۸۳ به مبلغ ۲۳۰ میلیون ریال به تاریخ۹۸/۰۷/۳۰

_ چک بانک رفاه شعبه ساحلی محمودآباد کد ۷۷۰ به شماره سریال ۹۹۱۵۹۰ به نام اسماعیل معقولی جاری ۷۵۰۸۵۰۹۴۱ به مبلغ۱۰۰ میلیون ریال به تاریخ۹۸/۱۱/۱۵

_ چک بانک ملت شعبه زندیه ۸۸۶۹۰ به شماره سریال ۹۸۱۵۹۰/۱۴۹۶۵۹۷/۵۰ جاری ۱۰۷۲۸۷۴۷۴ به نام حسین شاکری دنبوی به مبلغ ۸ میلیون ریال به تاریخ ۹۸/۱۱/۰۳

اسناد فوق به سرقت رفته واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی ابلاغ مفاد رای موضوع ماده ۳ قانون تعیین تفکیک وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی براساس موجب رای شماره ۹۸/۰۱۰۵۴۰۰۰۱۲۲۰۳۰۱۵۴۰۰۱۳۹۸۶۰۲۸/مورخ۹۸/۸/۲۸ صادره از هیئت حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق تصرفات مفروزی و مالکانه آقای خداکریم دینداری فرزند حسینعلی متقاضی پرونده کلاسه ۹۸/۰۰۰۰۴۱۰۵۴۰۱۴۴۰۱۳۹۷ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۴۴/۳۲ متر مربع قسمتی از پلاک ثبتی ۴۶۷۸/۳۳۹۲۱ با حدود اربعه: شمالا در سه قسمت اول بطول ۴/۹۹ متر به مسیر دوم بطول ۰/۶۵ متر سوم پخی است بطول ۳/۰۸ متر در ودیوار به معبر شرقا در ب و دیوار بطول ۱۵/۶۷ متر به معبر جنوبا بطول ۸/۶۱ متر دیوار یست به معبر غربا بطول ۱۷/۵۱ متر دیوار مشترک با باقیمانده همین پلاک صفحه ۳۶۴ دفتر ۱۳۳ واقع در بخش ۷ تهران به ثبت گردیده مراتب از نظر اطلاع ذوی الحقوق و شرکا مشاعی پلاک فوق در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی میگردد طبق قانون فوق الاشارة کسانی که به مالکیت و تصرفات مفروزی متقاضی فوق اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت دو ماه اعتراض خود را به مراجع قضایی تسلیم نمایندبدیهی است پس از انقضاض مهلت قانونی و عدم وصول واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت مفروزی به مساحت و حدود بالا به نام خداکریم دینداری اقدام خواهد شد .

م الف ۱۸۳۰۷ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک خاوران

احتمال اهیئت‌های نظارت مقابل ردصلاحیت

اصلاح‌طلبان، اکثریت اصولگرایان تندرو و نیروهای بدون شناسنامه سیاسی را برای نامزدی در انتخابات مجلس تأیید صلاحیت خواهند کرد. مجلسی‌که به تعبیر برخی قرار است صدای اعتدال و اصلاح‌طلبی در اقلیت باشد و صدای تندروها در اکثریت، این مجلس از نظر کیفی چگونه خواهد بود؟

اگر این احتمالات را درست بدانیم که اصلاح‌طلبان تأیید صلاحیت نخواهند شد و جریان‌ات نزدیک به احمدی‌نژاد صلاحیتشان تأیید خواهد شد، در این صورت باید انتظار روی‌کارآمدن مجلسی به‌مراتب متغیرتر از مجلس نیم‌بند کنونی را داشت. به نظر می‌رسد مجلس یازدهم از مجالس نهم، هشتم و هفتم که صدای جریان احمدی‌نژاد در رأس قرار داشت و تندروی بی‌منطق و ناکارآمدی نیز در آن حاکم بود، تدرت‌ور باشد.

چنین مجلسی تا چه اندازه خطر رادیکالیزه‌شدن را به‌ویژه در غیاب لاریجانی خواهد داشت؟

صرف‌نظر از اینکه لاریجانی در مجلس یازدهم باشد یا خیر، یکی از مسائل مطرح در یک سال اخیر این بود که چرا مجلس در رأس امور نیست و حتی این اعتقاد وجود داشت که نهادهای دیگری مانند شورای عالی امنیت ملی، شورای انقلاب فرهنگی و... به‌جای مجلس امر قانون‌گذاری را بر عهده گرفته‌اند؛ اما اگر چهره‌هایی که به مجلس ورود پیدا می‌کنند، چهره‌های پرقدرت و نیز برخوردار از وجاهت و کارآمدی باشند، به‌طور قطع هیچ سازمان و نهاد دیگری نیازی به این مهم نمی‌بیند که مجلس را دور بزند و قوانین را خود تصویب کند. اکنون با توجه به گمانه‌زنی‌ها، اگر قرار باشد مجلس آتی در دست تندروها باشد، قطعا نهادهای دیگر این حق را برای خود قائل خواهند بود که مجلس را دور بزنند. در مجلسی که قرار است هر روز در آن دعوا و سروصدا باشد، سایر نهادها حتی سازمان‌های همسو نیز ترجیح می‌دهند که به ترکیب و تصمیمات چنین مجلسی توجهی نشان ندهند و مجلسی ضعیف، لاغر و بی‌تأثیر در کشور رقم بخورد.

● **قالیباف با تجربه اجرایی در شهرداری، اکنون نامزد انتخابات مجلس شده است؛ حال آنکه مسئله املاک نجومی و برخی از مسائل مربوط به او همچنان در هاله‌ای از ابهام است.**
ازاین‌رو، تاچه اندازه احتمال دارد مسئله املاک نجومی پاشنه آشیل او برای انتخابات مجلس شود؟

قطعا مسئله املاک نجومی و... امری است که تخریب قالیباف را بسیار آسان خواهد کرد؛ به‌ویژه در

مدرک گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجناب حمیدرضا امامی فرزند غلام حسن به شماره شناسنامه ۴ صادره از بهشهر درمقطع کارشناسی ارشد رشته زیست شناسی - بیوشیمی صادره از واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات با شماره۱۸۴۲۸ مورخ۵/۱۰/۸۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به نشانی تهران، انتهای بزرگراه شهید ستاری، میدان دانشگاه، بلوار شهدای حصارک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم انسانی، اداره کل فارغ التحصیلان کدبستی۸۵۵۱۴۷۷۸۹۳ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو وانت نیسان رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۷۷- ۳۵۶ ط ۷۶ و شماره موتور 390522 و شماره شاسی K102466 به نام محمد چهار دولی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۳TU۳ رنگ قرمز متالیک مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ایران ۶۸- ۷۱۹ م ۱۱ و شماره موتور 10FSJ54400182 و شماره شاسی 82621485 به نام علی رضا رویان تاش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو هیوندای سانتافه رنگ مشکی متالیک مدل ۲۰۱۱ به شماره پلاک ایران ۲۲- ۵۶۷ م ۹۶ و شماره موتور G6DCAAG14865 و شماره شاسی KMHSH81GDBU710344 به نام بهمن شاه‌ویسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

دانشنامه تحصیلی اینجناب مهدی ز مانی فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه ۰۰۱۱۸۸۸۶۰۱ صادره از تهران درمقطع کارشناسی رشته مهندسی مکانیک صادره از واحد دانشگاهی امیرکبیر با شماره۸۷۲۶۰۴۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه امیرکبیر واحد اداری آموزش به نشانی تهران- خیابان انقلاب - دانشگاه صنعتی امیرکبیر ارسال نماید.

آگهی سومین مجمع عمومی فوق العاده انجمن مهندسی سواحل و سازه های دریایی ایران
از کلیه اعضای محترم انجمن مهندسی سواحل و سازه های دریایی ایران دعوت بعمل می آید تا در مجمع عمومی فوق العاده این انجمن که در محل سالن سازمان بندر و دریانوردی به نشانی ذیل در روز سه شنبه مورخ ۱۳۴۰/۰۲/۹۸ ساعت ۱۴ الی ۱۶ بر برگزار خواهد شد حضور بهم رسانند. دستور جلسه: ۱- ارائه گزارش هیات مدیره، خزانه دار و بازرس ۲ - تصویب صورت های مالی تا پایان آذر ۹۸ - برگزاری انتخابات هیات مدیره و بازرسان ۴ - تعیین حق عضویت اعضای انجمن در سال جاری همچنین به اطلاع می رساند: امکان اخذ رای وکالتی برای حداکثر یک رای، با تکمیل فرم مربوطه امکان پذیر خواهد بود. داشتن کارت ملی ضروری می باشد.
نشانی: میدان تجریش، خیابان شهید لوسانی روبروی برج کوه نور، کوچه نیروی، پلاک ۱، ساختمان آموزش

سیاست

محمد مهاجری با توجه به گسترش مشکلات اقتصادی مطرح کرد

عجیب نیست رئیس‌جمهور بعدی پوپولیست باشد



هستی قاسمی: «مجلسی لاغر، ضعیف و بی‌تأثیر که هر نهادی بر سر آن خواهد زد؛» تعبیری است که محمد مهاجری در نهایت ناامیدی برای مجلس یازدهم به کار می‌برد. وقتی از او می‌پرسیم آیا چنین مجلسی می‌تواند زمینه‌ساز تغییر معادلات در ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ به دلیل احتمال احساس تکلیف بزرگان اصلاح‌طلب برای حضور در انتخابات و احساس خطر از سوی جامعه باشد؟ در پاسخ می‌گوید: «به نظرم برای بازگرداندن اعتماد عمومی، هیچ مجلسی حتی معتدل و دولتی، توان این کار را ندارد. اعتماد اجتماعی را باید بزرگان و نخبران بازگرداندند که آنها هم حاضر به ورود به مجلس نیستند؛ زیرا نمی‌خواهند بیش از این اعتبارشان زیر سؤال برود.» در ادامه گفت‌وگوی تفصیلی با این فعال سیاسی اصولگرا را درباره مسائل یادشده از نظر می‌گذرانید.

فضایی که نه قالیباف به‌خوبی شفاف‌سازی کرده و نه دستگاه قضا در این رابطه ورود پیدا کرده است؛ درحالی‌که دستگاه قضا به همان اندازه که پرونده‌های قضائی سال‌های گذشته را گشوده و پیگیری کرده است، باید به پرونده قالیباف هم ورود می‌کرد. قوه قضائیه می‌توانست حکم‌های لازم را صادر کند، حتی ممکن بود شهردار اسبق تبرئه شود. به همین دلیل اگر او به ریاست مجلس آتی هم برسد، مسئله املاک نجومی به‌عنوان

وصله نامحور همچنان بر تن او خواهد ماند. امید می‌رود قالیباف در فضایی با حضور منتقدان جدی خود، با توجه به اسناد موجود درباره املاک نجومی و پول‌هایی که شایع است او به سازمان‌های خبریه داده، شفاف‌سازی کند. حتی خودش خواهان تعیین تکلیف و روشن‌شدن پرونده از طریق قوه قضائیه شود. در این‌صورت اگر اطرافیان‌ش مرتکب تخلفی شده باشند، مجازات شده و چنانچه اتهامات به او شایعه باشد نیز به نفع قالیباف

مجلس برای او دشوار نخواهد بود. برای ریاست مجلس لزوماً نباید سابقه نمایندگی در دوره‌های قبل داشت؛ اما چالش‌هایی که در برابر او قرار دارد، با چالش‌های مدیریتی که قبلاً با آن مواجه بوده، بسیار متفاوت است؛ زیرا اگرچه قبل از این، قالیباف با مسائل امنیتی و مربوط به نظم در نیروی انتظامی و با مسائل شهری در شهرداری روبه‌رو بود، هیچ‌گاه با مسائل سیاسی و جناحی روبه‌رو نبوده است. به همین دلیل مدیریت در مجلس بسیار آسان‌تر است. در ریاست درمجلس‌دست‌کم ۱۰۰ هزار نفر به مجلس او باید نشان دهد یک رچل سیاسی است. او تنها با حامیان‌ش روبه‌رو نخواهد بود، بلکه به‌طورقطع او مخالفانی نیز خواهد داشت که تاکنون برخورد با آنها را به‌طور مستقیم تجربه نکرده است. علاوه بر این، قالیباف معمولاً در برخورد با مخالفان صبور نیست؛ چنانچه چالشی برای او به وجود آید، یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های او تجربه‌نداشتن در برخورد با جناح‌های مختلف به‌ویژه مخالفانش خواهد بود. حداد هم تا حدی با چنین مشکلی روبه‌رو بوده است، اما حداد به این دلیل که یک چهره فرهنگی غیرسیاسی بود، تعامل با او آسان‌تر صورت می‌گرفت.

● **تا توجه به گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال برآمدن مجلسی تندرو و رادیکال، تا چه اندازه امکان تغییر معادلات در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و احساس تکلیف اصلاح‌طلبان حتی اعتدال‌گرایان در آن خواهد بود؟**

به‌شدت درباره مجلس یازدهم ناامیدم و امیدوارم که این ناامیدی چندان واقع‌ی نباشد و تحول‌ات صورت دیگری رقم بخورد؛ اما تصور می‌ود که مجلس آتی با ترکیبی که هم‌اکنون پیش‌بینی می‌شود؛ یعنی ترکیبی از تندروها، به یک مجموعه ناکارآمد تبدیل خواهد شد و جز پرداختن به موضوعات بسیار معمولی هیچ‌گونه خروجی نخواهد داشت. مجلس ممکن است حتی به جای عمل به وظایفش بخواد به دنبال استیضاح دولت فعلی یا حتی دولت آتی باشد؛ اما به‌هرروی مجلسی که بی‌تأثیر باشد، هر کسی توی سر آن خواهد زد؛ به‌گونه‌ای‌که اگر چنین مجلسی به دنبال استیضاح دولت باشد، به او خواهند گفت استیضاح بی‌استیضاح. به همین دلیل اوست همواره توصیه می‌شود که رهروهای کارآمد و باوقار باید به مجلس ورود پیدا کنند؛ چراکه چنین مجلسی به خودی خود در تراز انقلاب خواهد بود؛ اما مجلسی که صحنه‌گردانان اصلی آن افراد سطح پایین سیاسی باشند، مجلسی توسری‌خور خواهد بود. در نهایت به نظر می‌رسد که دولت و اصلاح‌طلبان هیچ‌یک بدشان نیاید که چنین مجلسی بر سر کار بیاید.

● **چنین مجلسی تا توجه به تغییر معادلات احتمالی پیش‌روی خود و احتمالاً احساس خطر از سوی جامعه می‌تواند زمینه را برای بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی جریان اصلاحات فراهم کند؟**
قطعا نمی‌تواند. معمولاً وقتی جناحی به‌شدت مورد حمله قرار بگیرد، مظلوم واقع خواهد شد. اکنون مسئله اعتماد عمومی برای اصلاح‌طلبان با اصولگرایان تقریباً یکسان است؛ زیرا اگر اعتماد عمومی به اصلاح‌طلبان کاهش یافته، به این معنا نیست که اصولگرایان وضعیت بهتری دارند. اعتماد افکار عمومی به همه جریان‌ها به یک اندازه کاسته شده است. اگر عده‌ای گمان می‌برند که با توهین و تخریب دولت می‌توانند سرمایه‌های اجتماعی را به سست خود جذب کنند، به‌هیچ‌عنوان چنین نیست.

امروز اگر قالیباف سخنی علیه دولت می‌گوید، به این معنا نیست که مردم برای او هورا بکشند؛ بلکه او هم به همان اندازه متضرر می‌شود که دولت درباره تخریب زبان می‌بیند. به نظرم برای بازگرداندن اعتماد عمومی هیچ مجلسی حتی معتدل و دولتی توان این کار را ندارد. اعتماد اجتماعی را باید بزرگان و نخبران بازگردانند. در جامعه‌ای که معضلات اجتماعی و اقتصادی دارد و شکاف میان جامعه و دولت به وجود آمده است، وقتی گران‌شدن بنزین جامعه را ملتهب می‌کند، قطعا به این معناست که بزرگان و نخبران در آن کشور غایب هستند. در انتخابات پیش‌رو اساساً این پرسش به وجود آمده که چرا چهره‌های برجسته و موجه کاندیدا نشدند؟ زیرا آنها نگران‌اند که مبدا وجاهت اجتماعی‌شان بیش از امروز زیر سؤال برود. در یک اختلاف خانوادگی هم وقتی فرد ببیند شان اجتماعی و حیثیتش کاسته می‌شود، حاضر به ورود به آن دعوا نیست. اکنون چهره‌های کارآمد و بانفوذ حاضر به ورود به مجلس نیستند؛ زیرا نمی‌خواهند بیش‌ازاین اعتبارشان زیر سؤال برود. تعداد افراد موجه و شناخته‌شده در تراز ملی، از هر دو جناح حتی ۱۰ نفر هم در انتخابات پیش‌رو ثبت‌نام نکرده‌اند.

● **معتقدید که بازگشت اعتبار اجتماعی به سهولت امکان‌پذیر نیست. با این وصف چه باید کرد؟ آیا باید اجازه داد که مجلس یازدهم کار خود را در بدترین نوع ممکن و رادیکالی انجام دهد و پس از آن به خودی‌خود اعتماد افکار عمومی درباره جریان‌های دلسوز و اصلاح‌طلب بازگردد؟**

روزنامه‌نگارها، سیاست‌مدارها و جامعه‌شناس‌ها و همه ما این روزها تنها غر می‌زیم که بنزین نباید گران می‌شد، تحریرها این بالاها را بر سر مردم آورد، چرا وزیر کشور استعفا نمی‌دهد، چرا اقداماتی برای کاهش آلودگی هوا صورت نمی‌گیرد و... هیچ‌یک از سایات‌های خبری و روزنامه‌ها در راستای چه باید کرد، سخن نمی‌گویند. شرایط کنونی مانند بیمارستان صحرایی در منطقه جنگی است. وقتی وارد این بیمارستان می‌شویم، با صدها نفر مجروح که هریک به نحوی از جراث، قطع‌شدن پا و دست، اصابت ترکش و... رنج می‌برند، مواجه می‌شویم. پزشکان نیز به دلیل تعداد زیاد مجروحان و فشار روانی بالا توان و فرصت رسیدگی به آنها را ندارند. در این وضعیت که همه تاله و فریاد دارند، تنها کسی که می‌تواند به داد مجروحان برسد، فردی است که حتی یک قرص استامینوفن داشته باشد؛ بنابراین معتقدم هنوز باید چشم به افرادی دوخت که هوش و حواس‌شان جمع است و با یک استامینوفن می‌توانند مردم را در میانه این همه بی‌اعتمادی و التهاب آرام کنند. عده‌ای در راستای تخریب سیاست‌مداران روزی نبود که کاری نکرده باشند! هیچ کشوری تا این حد نخبران خود را طرد نمی‌کند. برخی از مسئولانی که قبل از بدنه نظام خدمت می‌کردند، امروز دست‌کم ۱۰۰ هزار نفر به سخنان‌شان توجه نشان می‌دهند؛ حتی تا این اندازه هم از این افراد در راستای بازگشت اعتماد عمومی استفاده نمی‌شود؛ بنابراین بازگشت سرمایه‌ها به شعار امکان‌پذیر نیست. در شرایط امروز جامعه که تأمین بخش بزرگی از نیازمندی‌های عمومی دچار مشکل است، نمی‌توان اسم گرستگی و فقر را عزتمندی گذاشت. کافی است ۱۵ کیلومتر از تهران فاصله گرفت، بچه‌هایی هستند که برای رفتن به مدرسه کفش ندارند. آیا این عزتمندی است؟! ما نمی‌توانیم بگوییم که می‌خواهیم با همه کشورهای جهان قطع رابطه کنیم؛ چون خواهان عزتمندی هستیم. این در حالی است که افرادی که شعارشان عزت و قطع روابط با جهان است، خود از زندگی آرام و مرفه برخوردارند. وقتی پامیان را بیخ گلوی «FATF» فشار می‌دهیم و نام آن را عزت می‌گذاریم، تنها شرایط را برای مردم سخت‌تر می‌کنیم؛ بنابراین معتقدم که بخشی از مشکلات کشور با دیپلماسی حل‌شدنی است. باید حتی اگر بشود، به طور کوتاه‌مدت با جهان ارتباط داشته باشیم. در نهایت بر این باورم که در دو ساعت باید برای بازگشت سرمایه‌های اجتماعی تلاش کرد؛ نخست بازگرداندن نخبکانی که طرد شده‌اند؛ اما خود حاضر به بازگشت به صحنه نیستند. سپس بپذیریم که در فضای خارج از ایران قضایی وجود دارد که اگر ایران با آنها ارتباط برقرار کند؛ تا اندازه‌ای مشکلات اقتصادی مردم حل خواهد شد.

● **تا توجه به اینکه اکنون شعار و خواسته جامعه تحقق عدالت است، آیا شرایط در آینده به گونه‌ای خواهد بود که مردم به سمت افرادی که شعار عدالت‌خواهی و نه اصلاح و اعتدال سر می‌دهند، گرایش پیداکنند؟**
معمولاً پیوسته در دورانی که مشکلات اقتصادی گسترش پیدا می‌کند، زمینه برای پذیرش و تحقق شعارهای پوپولیستی فراهم‌تر خواهد بود. بنابراین اصلاً جای تعجب نخواهد بود که رئیس‌جمهور بعدی با شعار پوپولیستی بر سر کار بیاید. نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان شعارهای پوپولیستی همچنان مشتری دارد. ترامپ نیز با شعار پوپولیستی که از اقتدارگرایی آمریکا و خروج چارچی‌ها از ایالات متحده دم می‌زد، روی کار آمد. شعار پوپولیستی به این دلیل که ناشی از غلیان احساسات است، بخش قابل توجهی از جامعه را تسلیم می‌کند. حتی در انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته هم نامزدهای حاضر در صحنه بخشی از شعارهایشان پوپولیستی بود. اسمش را هر چه می‌خواهند بگذارند؛ پوپولیست، پوپولیست خواهد بود.

● **دولت روحانی باید با مردم دلخو و نگران نسبت به اصلاح امور چه کار کند؟**
بشخصه از اصلاح‌طلبانی که تحت هر شرایطی فکر می‌کنند باید به دولت فحش بدهند، عصبانی می‌شوم. باید تا پایان راه پای دولت روحانی بایستد. ادامه در صفحه ۱۵

جمهوری اسلامی

ماهم شاه‌شده‌ایم

● پوست قدرت، پوستین قدرتمندان و نقاب‌هایی که صاحب‌منصبان ما بر چهره دارند اگر کنار زده شوند و عملکردها با دقت بررسی شوند، همه به این نتیجه خواهیم رسید که ما هم شاه‌شده‌ایم. علامت شاهی اگر دل‌بستگی به القاب بود که ما هم این دل‌بستگی را داریم، اگر بی‌توجهی به معیشت مردم بود که ما هم بی‌توجهیم، اگر فاصله‌گرفتن از مردم بود که ما هم فاصله گرفته‌ایم، اگر گوش‌ندانن به حرف ضعفا بود که ما هم گوش نمی‌دهیم، اگر طبقاتی‌کردن جامعه بود که ما هم همین کار را کرده‌ایم و اگر ایجاد کارخانه مستضعف‌سازی بود که ما هم در حال حاضر رسماً می‌گوییم ۶۰ میلیون مستضعف داریم. ما حتی حاضر نیستیم نتیجه نظرسنجی‌ها را یک سانتی‌متر دورتر از بولتن‌های به‌کلی سری منتشر کنیم. آیا واقعاً ما شاه نشده‌ایم؟!.. مسئولان باید فاصله خود با مردم را از بین ببرند، تشریفات را کنار بگذارند، با جنگ قدرت خداحافظی کنند، اجرای عدالت و مبارزه جدی با تبعیض را با اولویت در دستور کار خود قرار دهند، از پنهان‌کاری دست بردارند، با شفافیت کامل آشتی کنند و به حقوق مشروع عموم مردم در تمام زمینه‌ها احترام بگذارند تا کسی احساس محدودیت در اظهارنظر نکند. در چنان وضعیتی است که مردم عدالت و آزادی را لمس خواهند کرد و با تمام توان برای همراهی با دولت‌مدان در جهت رشد و بالندگی کشور و تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی تلاش خواهند کرد زیرا خواهند دید که کسی احساس شاهی نمی‌کند و همه یکسان زندگی می‌کنند.

نقد و نظر

دست‌صندوق‌ها در چپ بودجه

● مجموعاً پرداخت حقوق بازنشستگان ۳ صندوق کشوری، فولاد و کشوری، جانبازان حال ت اشتغال و والدین شهدا، رشد

۴۴درصدی را نسبت به سال ۹۸ تجربه کرده که عدد قابل‌توجهی است...اگر مجموع حقوق‌های پرداختی دولت را شامل هزینه‌های پرسنی، حقوق بازنشستگان و بنیاد شهید در نظر بگیریم، محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که این عدد در لایحه بودجه سال آتی به ۲۹۱/۷ هزار میلیارد تومان می‌رسد. رقم مذکور نسبت به سال ۹۷ بیش از ۵۶ درصد رشد کرده است. یعنی تقریباً ۸۰ درصد کل بودجه جاری کشور صرفاً برای حقوق شغلان و بازنشستگان هزینه خواهد شد... علاوه بر این موضوع، وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به بودجه عمومی هر سال در حال افزایش است. حتی سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان یک مؤسسه با نهاد عمومی غیردولتی نیز از این قاعده مستثنا نیست و در صورت عدم پرداخت بدهی‌های دولت به این صندوق، عدم ایفای تعهدات قانونی در قبال ایس صندوق و عدم اصلاحات پارامتریک و سیستماتیک در رابطه با صندوق و قوانین مربوط به بازنشستگی، این صندوق به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان عرضه‌کننده خدمات بیمه درمان و بازنشستگی که حدود ۱۷ میلیون نفر را پوشش می‌دهد، در آینده افزایش خواهد داد، به بودجه عمومی کشور وابسته خواهد شد. از نظر کارشناسان مرکز پژوهش‌ها، این مسئله می‌تواند کشور را در شرایط بحرانی قرار دهد. در نتیجه مجموعه صندوق‌ها در مسیر بحران در حال پیشروی هستند و هر چقدر اصلاحات پارامتریک در بودجه تقویت یفتند، احتمال هزینه سنگین‌تر در آینده افزایش خواهد یافت.

انتقاد

تغییرمدل براندازی؟

● **عباس عبدی:** یکی از مسئولین محترم سپاه نکته جالبی را اظهار کرده و گفته است که «مدل براندازی غرب در مقابل انقلاب اسلامی تغییر کرده. در این مدل جدید براندازی، تکیه بر افراد فرودست جامعه و کسانی است که محصول حاشیه‌نشینی و بی‌سوادی هستند و در فضای مجازی آلوده شده‌اند، نه نظر می‌رسد که این جملات را باید با دقت بیشتری تحلیل کرد. اولین نکته این است که گویی ملت ایران افراد گوش‌به‌فرمانی هستند که برحسب اینکه آمریکایی‌ها اراده کنند، می‌توانند بخشی از آنان را هدف قرار دهند و علیه مدیریت کشور بسیج کرده و بشورانند. پیش‌تر طبقه متوسط و اکنون طبقه فقر و حاشیه‌نشین را و فردا دما بخشی از درون ساختار قدرت را. این نگاه اگر درست باشد، چیزی جز اعلام شکست نیست که پس از گذشت ۴۰ سال از انقلاب جامعه‌ای را درست کرده‌ایم که هم طبقه متوسط آن را می‌توان مثل عروسک باربچه قرار داد و هم طبقه فقیر و حاشیه‌نشین آن را. و اگر نادرست باشد که قطعا همین‌طور است، توهینی جدی به همه جامعه و مردم محسوب می‌شود. طبیعی است که عامل خارجی وجود دارد و علیه ما عمل می‌کند. ولی پرسش اصلی این است که کدام زمینه داخلی است که به آن قدرت عمل می‌دهد. همچنین کسی نیست بپرسد که این چه تحولی است که ۴۰ سال پس از انقلاب هنوز تعداد زیادی بی‌سواد و حاشیه‌نشین دارد که می‌توانند بازبچه دترم آمریکا شوند؟ این جز ادغان به شکست چیز دیگری نیست. خب اگر حکومتی نتواند اعتماد مردمش را به رسانه رسمی جلب کند و نتواند مردم را اساسود کند و نتواند مردم را از حاشیه‌نشینی نجات دهد چرا انتظار دارد که دیگران روی این ناکارآمدی‌ها سرمایه‌گذاری نکنند؟